





**شرح جامع**

**جغرافیای سیاسی (مبانی و ایران)**

**«علوم جغرافیایی»**

مؤلف: زهره آزاد فلاح



## پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که در حوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس (منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست‌نیافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می‌شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزه آزمون‌های سراسری - آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی که شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد که حائز رتبه‌های تک رنجه می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای داوطلبان عزیز را پوشش داده است. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی‌نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشر

www.arshadbook.ir

## پیشگفتار مولف

با پیشرفت و توسعه علوم از یک سوء علاقه مردم جامعه ما به کسب دانش های روز از سوی دیگر دانشجویان و داوطلبان علم را متمایل به اخذ درجات علمی بالاتر نموده است.

دانش جغرافیا نیز از این امر مستثنی نبوده و علاقمندان زیادی را در عرصه رقابتی سخت قرار داد.

مجموعه حاضر در یازده فصل به بیان تفصیلی و نکات مهم مباحث جغرافیای سیاسی اختصاص یافته و در کنار آن پرسشهای درس جغرافیای سیاسی گزینه شده از آزمون های ورودی به کارشناسی ارشد سالهای گذشته بصورت طبقه بندی شده در پایان هر فصل آورده شده است.

امید است این مجموعه پاسخگوی همه دانشجویان و داوطلبان ورودی به تحصیلات تکمیلی قرار گیرد. ضمن اینکه مجموعه حاضر خالی از اشکال نبوده و نیازمند بازخورد استفاده کنندگان به منظور بهبود کار می باشد.

با سپاس  
زهره آزاد فلاح

## فهرست مطالب

| صفحه                                                 | عنوان                                       |
|------------------------------------------------------|---------------------------------------------|
| ۳                                                    | پیشگفتار ناشر                               |
| ۴                                                    | پیشگفتار ناشر                               |
| <b>فصل اول: مفاهیم جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک</b>   |                                             |
| ۱۱                                                   | بخش اول: مفاهیم جغرافیای سیاسی              |
| ۱۱                                                   | مقدمه                                       |
| ۱۹                                                   | بخش دوم: مفاهیم ژئوپولیتیک                  |
| ۱۹                                                   | ژئوپولیتیک (Geopolitics) یا سیاست جغرافیایی |
| ۲۲                                                   | خلاصه فصل                                   |
| <b>فصل دوم: ماهیت و قلمرو جغرافیای سیاسی</b>         |                                             |
| ۲۹                                                   | نگاهی به تحولات جغرافیای سیاسی              |
| ۳۱                                                   | نظریه ابن خلدون درباره حکومت                |
| ۳۲                                                   | خلاصه فصل                                   |
| <b>فصل سوم: سازمان سیاسی فضا: ریشه‌های نظام دولت</b> |                                             |
| ۳۹                                                   | ریشه‌های نظام دولت                          |
| ۳۹                                                   | نقش طایفه و قبیله در سازماندهی سیاسی فضا    |
| ۳۹                                                   | نقش مکانهای مرکزی                           |
| ۴۰                                                   | دولتهای باستانی                             |
| ۴۰                                                   | دولتهای اروپایی                             |
| ۴۱                                                   | ظهور ناسیونالیسم                            |
| ۴۱                                                   | تعاریف و ویژگیهای دولت سرزمینی              |
| ۴۴                                                   | بررسی تحولات نقشه سیاسی جهان                |
| ۴۷                                                   | خلاصه فصل                                   |
| <b>فصل چهارم: کالبد شکافی دولت</b>                   |                                             |
| ۵۷                                                   | علت وجودی، اندیشه سیاسی و هویت ملی          |

|         |                            |
|---------|----------------------------|
| ۵۸..... | سرزمین و ویژگیهای آن       |
| ۵۸..... | جمعیت و ویژگی های آن       |
| ۶۰..... | ناسیونالیسم و دولت های ملی |
| ۶۶..... | چگونگی انتقال پایتختها     |
| ۶۷..... | شکلهای مختلف دولت          |
| ۷۰..... | خلاصه فصل                  |

### فصل پنجم: مرزهای سیاسی بین‌المللی

|         |                                        |
|---------|----------------------------------------|
| ۷۹..... | مرزهای خشکی                            |
| ۷۹..... | انواع مرز                              |
| ۸۲..... | صلاحیت ملی در مناطق برون ساحلی         |
| ۸۵..... | حقوق دولت ساحلی در منطقه فلات قاره     |
| ۸۵..... | تحدید حدود مناطق برون ساحلی بین دولتها |
| ۸۶..... | تنگه‌های بین‌المللی                    |
| ۸۶..... | ویژگیهای جغرافیایی تنگه هرمز           |
| ۸۶..... | نظام تنگه‌ها در کنوانسیون حقوق دریاها  |
| ۸۶..... | مرزهای هوایی                           |
| ۸۷..... | خلاصه فصل                              |

### فصل ششم: علت وجودی دولت ایران

|         |                                                    |
|---------|----------------------------------------------------|
| ۹۵..... | منشا نام ایران                                     |
| ۹۶..... | عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر پیدایش و بقای دولت ایران |
| ۹۹..... | خلاصه فصل                                          |

### فصل هفتم: سرزمین ایران

|          |                                     |
|----------|-------------------------------------|
| ۱۰۵..... | ساختار طبیعی فضا و تعاملات اجتماعی  |
| ۱۰۶..... | ایران به مثابه مکان سیاسی           |
| ۱۱۱..... | بنیادهای حیات انسانی و اقتصادی      |
| ۱۱۵..... | کانیهای زیرزمینی یا کانسارهای ایران |
| ۱۱۶..... | خلاصه فصل                           |

### فصل هشتم: ملت ایران

|          |                                   |
|----------|-----------------------------------|
| ۱۲۱..... | ابعاد جمعیت‌شناسی ملت ایران       |
| ۱۲۳..... | ساختار اجتماعی - فضایی ملت ایران  |
| ۱۲۴..... | تحلیل ژئوپولیتیک ساختار فضایی ملت |
| ۱۲۶..... | نیروهای همگرا و واگرا در ایران    |

|                      |     |
|----------------------|-----|
| فرهنگ سیاسی ملت..... | ۱۲۷ |
| هویت ملی .....       | ۱۲۸ |
| خلاصه فصل .....      | ۱۲۹ |

### فصل نهم: حکومت در ایران

|                                          |     |
|------------------------------------------|-----|
| ویژگیهای عمده نظامهای حکومتی ایران ..... | ۱۳۷ |
| گونه شناسی حکومت و نظام سیاسی .....      | ۱۳۹ |
| ویژگیهای نظام جمهوری اسلامی ایران .....  | ۱۴۱ |
| خلاصه فصل .....                          | ۱۴۲ |

### فصل دهم: ساختار سیاسی فضا در ایران

|                                       |     |
|---------------------------------------|-----|
| کانون سیاسی.....                      | ۱۴۷ |
| مرزهای سیاسی ایران .....              | ۱۵۰ |
| سازمان سیاسی فضا در ایران .....       | ۱۶۲ |
| موقعیت و وضعیت مناطق آزاد ایران ..... | ۱۶۷ |
| خلاصه فصل .....                       | ۱۷۰ |

### فصل یازدهم: الگوی فضایی قدرت سیاسی و اجرایی در ایران

|                                                        |     |
|--------------------------------------------------------|-----|
| الگوهای متداول توزیع قدرت سیاسی و اجرایی .....         | ۱۸۷ |
| چشم انداز تاریخی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران ..... | ۱۹۰ |
| الگوهای مشارکت مردم در نظام سیاسی- اداری کشور .....    | ۱۹۱ |
| خلاصه فصل .....                                        | ۱۹۲ |



## فصل اول

### مفاهيم جغرافياى سياسى و ژئوپولتيك

#### عناوين اصلى

- بفش اول : مفاهيم جغرافياى سياسى
- مقدمه
- بفش دوم : مفاهيم ژئوپولتيك
- ژئوپولتيك (Geopolitics) يا سياست جغرافياى
- فلاصه فصل



## فصل اول

### مفاهیم جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک

#### بخش اول: مفاهیم جغرافیای سیاسی

##### مقدمه

جغرافیای سیاسی عبارتست از مطالعه اثر گذاری تصمیمات سیاسی بر محیط جغرافیایی همانند تقسیمات سیاسی کشور و مرز سازی‌های روی صحنه جغرافیای حال آنکه ژئوپولیتیک عبارتست از مطالعه اثر گذاری عوامل جغرافیایی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی، با این تعریف ژئوپولیتیک بیشتر حالت نگاهی فراملتی دارد. حال آنکه جغرافیای سیاسی به نقش آفرینی‌های درون کشوری تکیه می‌کند.

برخی از اندیشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، همانند ریموند و استراسولد و ایتالیایی جغرافیای سیاسی را (بعد فضایی یا بعد سرزمینی علوم سیاسی می‌دانند از دید جغرافیایی این دانش را باید تشخیص و مطالعه پدیده‌های سیاسی در محتوای فضایی یا (روی زمین) آنها دانست حال می‌خواهد این مطالعه بررسی پدیده‌هایی چون مرز باشد یا اشکال جغرافیایی ناشی از اعمال حاکمیت دولتی و یا پویایی سیاسی واحدهای نوین حکومتی به هر حال توجه اصلی در جغرافیای سیاسی (کشور) است در حالیکه (حکومت) (ملت) و (مرز) پدیده‌های مهم دیگری در این مطالعه می‌باشند. از اواخر قرن نوزدهم هنگامی که جهان بشری شاهد اوج‌گیری ژئوپولیتیک مستعمراتی اروپایی بود جهانی اندیشیدن یا اندیشه کردن پیرامون نیروهایی که جهان سیاسی را به حرکت در می‌آورند رونق گرفت رونق گرفتن (جهانی اندیشی) با تولد (جغرافیای سیاسی) همزمان بود و چندان دور از واقعیت نخواهد بود اگر بگوئیم که جهانی اندیشی قرن نوزدهم تولد (جغرافیای سیاسی) را سبب گردید و جغرافیای سیاسی (جهانی اندیشی) را نظم داده و رونق بخشیده قرن بیستم دوران برخورد‌های نخست میان اندیشه‌های فلسفی در راه نظام دادن به جهان سیاسی بود. جهانی اندیشی در این دوران کارزاری را فراهم آورد تا برخورد میان اندیشه‌های امپریالیستی، لیبرالیستی و سوسیالیستی سرنوشت نظام جهانی را ترسیم نمایند.

#### ۱- کشور (Country)

یک کشور یک واحد سیاسی است و مجموعه‌ای از این واحدهای سیاسی است که نقشه سیاسی جهان را تکمیل می‌کنند از نظر ساختاری کشور از به هم ریختن سه عنصر (سرزمین) (ملت) و (حکومت) پدید می‌آید. به این ترتیب سه پدیده سرزمین، حکومت، و ملت اجزای جدایی ناپذیر یک موجودیت جغرافیایی سیاسی هستند در نتیجه با از میان رفتن هر یک از این سه عنصر کشور مفهوم خود را از دست خواهد داد.

#### ۲- حکومت (State) دولت (Government) حاکمیت (Sovereignty)

سرزمین یا کشور جلوه‌گاه فیزیکی حکومت است و حکومت ساختاری عمودی و سازمان دهنده سرزمین، شایان توجه است که واژه State در انگلیسی مترادف آن در فرانسه Etat با واژه فارسی، عربی (حکومت) برابر است. در حالیکه واژه دولت در فارسی با

واژه فرانسه گورنمان - Government واژه انگلیسی گاورنمنت Government برابری دارد. Stat یا حکومت در مقام سازمان عمودی اداره کننده کشور در برگیرنده ارکان گوناگون این سازمان می باشد این ارکان بر اساس قانون اساسی کشورها عبارتند از: (دولت) در رأس قوه مجریه، پارلمان در رأس قوه مقننه و شورای عالی قضایی در رأس قوه قضاییه.

(دولت) جلوه دهنده فیزیکی موجود یک حکومت و بخشی از آن است و به گروهی از منتخبان مردم در رأس امور اجرایی کشور محدود می شود که اداره امور کشور را به نمایندگی از سوی حکومت برای دوره مشخص برعهده می گیرند و به یاری دوایر گوناگون کشور دارای، برنامه سیاسی، اقتصادی گروهی یا جزئی ویژه خود را در کشور به اجرا می گذارند.

به این ترتیب، در حالیکه State یا حکومت جنبه ای کلی و دایمی دارد. Government یا دولت جزئی از حکومت است و پدیده ای است موقت و بر اساس موازین پیش بینی شده قانون اساسی کشور برای دوره ویژه ای از سوی مردم انتخاب می شود. چگونگی تقسیم وظایف ارکان حکومت و روابط این ارکان با یکدیگر و با مردم در هر کشوری (قانون اساسی) نام دارد.

(تألیفی)

- کدام مورد در خصوص حکومت و دولت صدق می کند؟

الف) حکومت کوتاه مدت و دولت ابدی است

ب) دولت حکومت را در بر می گیرد.

ج) حکومت ابدی است ولی دولت برای مدت کوتاهی است.

د) هیچکدام

گزینه ج

- از نظر ترتیب توالی پیدایش و رتبه نظام جهانی حکومتها به سه دسته زیر تقسیم می شوند:

الف) حکومت قبیله ای = Tribel state

این نظام حکومتی پیشینه بیشتری در تاریخ دارد و بر اساس مبانی دینی و سنتی به وجود آمده و می آید و در پائین ترین رتبه از تکامل و اهمیت قرار می گیرد در دنیای اسلام این حکومت را (امارت) می گویند.

ب) حکومت سرزمینی = Territorial state

این گونه حکومت رتبه بالاتری را در ترتیب توالی یاد شده دارد و بر اساس وجود داشتن سرزمین و گسترده های مورد ادعای سرزمینی به وجود می آید. مانند بیشتر کشورهای جهان در گذشته که به مرور به حکومت های ملتی تبدیل شده اند یا مانند عربستان سعودی

ج) حکومت ملتی = Nation state

این گونه حکومت بر اساس وجود داشتن یک ملت یکپارچه و مشخص به وجود می آید چنانکه بزرگترین شمار نظام حکومتی جهان در سرآغاز قرن بیست و یکم از آن گونه حکومتهاست.

در هم آمیزی دو مفهوم (حکومت) و (ملت) که سبب پیدایش مفهوم نوین (حکومت ملتی Nation state) شده است اصل مفهوم حکومت را با اصل مفهوم ملت بسیار نزدیک می سازد.

(تألیفی)

- از در هم آمیزی چه مفاهیمی حکومت ملتی تشکیل شده است؟

ب) حکومت و ملت

الف) مردم و سرزمین

د) ارتش و شهروندان

ج) حکومت و ارتش

گزینه ب

## ۳- مرز و بوم - سرزمین

## الف) مرز

«سرحد» مفهومی کهن است و «مرز» مفهومی است نوین. در تلاش برای یافتن تفاوت میان مفهوم «سرحد» و «مرز» دیگر جغرافیدانان مطالعات و بررسی‌های دیگری انجام داده‌اند. پیتیر تایلور (Peter. J. Taylor) انگلیسی اشاره دارد:

کریستف (Kristof ۱۹۵۹) برای یافتن تفاوت میان هر یک از دو مفهوم (سرحد و مرز) معنی واژه‌ی هر یک از مورد توجه قرار داده است. سرحد Frontier از ایده (حد جلویی) یا (حد بیرونی) Infront ریشه گرفته است که مفهوم محدوده سرزمین را می‌رساند. به این ترتیب سرحد حالت نگاه به بیرون را دارد و مرز حالت نگاه به درون را می‌رساند. سرحد منطقه تماس (دو قدرت) است.

«مرز» جلوه‌گاه خط فرضی است که در نتیجه فشار سیاسی، نظامی و قدرت علیه یکدیگر پدید می‌آید (سرحد) منطقه تماس دو موجودیت سیاسی - اقتصادی مستقل و جدا از هم است که می‌تواند با اطمینان، جلوه‌گاه محدوده خارجی نیرو و نفوذ یک حکومت نامیده شود. پدیده‌های سرزمینی که گستره آن از پهنای یک خطر مرزی فراتر می‌رود و حالت منطقه (سرحدی) را به خود می‌گیرد. ژاک آنسل (Jacques Ancel) فرانسوی یادآور می‌شود که چیزی به نام مسئله مرز وجود ندارد و آنچه هست مسئله قدرت ملت است. مرز حاصل فشار دو قدرت به سوی هم می‌باشد. از سوی دیگر برخی مرزسازان انگلیسی مانند لرد جرج کرزن (Lord Curzon) و سرهنگ هنگر فورد هلدیچ (Hanger ford Holdich) که مرزهای ایران و هند (ایران و پاکستان کنونی) را ساختند به «واقعیت» داشتن مرز معتقد بودند و مرزهای طبیعی Physiographic Boundaries را بهترین نوع مرز می‌شناختند در برابر این گروه ریچارد هارتشورن (Richard Hartshorne) آمریکایی مرز را واقعیتی قائم به ذات در جهان بشری شمرده و مرزها را به پنج گونه تقسیم کرده است.

۱- Pioneer = مرزهای پیشگام، مرزهایی که از سوی مهاجران در سرزمینهای خالی از سکنه پدید می‌آید.

۲- Antecedent = مرزهای پیش از اسکان، مرزهایی که پیش از اسکان مردمان در طبیعت وجود دارد.

۳- Subsequent = مرزهای تطبیقی، مرزهایی که بر اساس تقسیم قومی یک ملت و به تناوب و به صورت تطبیقی پدید می‌آیند مانند مرزهای امارات متحده عربی در کرانه‌های دریای عرب

۴- Superimposed = مرزهای تحمیلی مانند مرزهای خطی Linear اروپایی که به دیگر بخشهای جهان تحمیل گردید.

۵- Relict = مرزهای متروکه

در حالیکه به نظر می‌رسد مرزهای دسته‌بندی شده بالا از سوی هارتشورن از منطق محکم جغرافیایی و سیاسی بهره‌چندانی نداشته باشد. مرزهای طبیعی، فرهنگی، سیاسی و قوی و تحمیلی در جهان حقیقی واقعیت وجودی دارند مرزهای رودخانه‌های (که بخشی از مرزهای طبیعی شمرده می‌شوند) و مرزهای دریایی تابع تعاریف و مقررات ویژه خود هستند. از میان دیگر انواع مرز، کسانی به مرز در خطر مستقیم (بی‌اعتنا به عوارض طبیعی و انسانی) معتقد هستند در حالیکه اینگونه مرزها در صحرای مسطح و خالی از سکنه بسیار منطقی می‌باشند مانند مرزهای میان مصر و لیبی در سرزمینهای برخورد از عوارض طبیعی و مسکون چنین مرزی غیر منطقی و سبب ایجاد مسائل گوناگون می‌گردد. مانند مرز مستقیمی که ژنرال آلتای (Altay) ترک در سال ۱۹۳۵ در بخش جنوبی خراسان میان ایران و افغانستان ترسیم کرد.

- به مرزهایی که از سوی مهاجران در سرزمینهای خالی از سکنه پدید می‌آید چه نوع مرزهایی می‌گفتند؟

ب) مرزهای پیشگام

الف) مرزهای تحمیلی

د) مرزهای تطبیقی

ج) مرزهای قبل از اسکان

گزینه ب

### ب) بوم (یا سرزمین) (Territory)

از بین جغرافیدانان اروپایی، ژان گاتمن، توانسته است با مفهوم‌ترین تعریف را تا این تاریخ از سرزمین یا (بوم) در رابطه با (حاکمیت) ارائه کند وی در نوشته‌ای زیر عنوان (گذران تکاملی مفهوم سرزمین) Evolution of the concept of territory در حالیکه تاکید دارد مفهوم سرزمین در روزگاران، همچنان دست خوش دگرگونی بنیادین پراهمیتی است می‌گوید:

(سرزمین هم مفهومی سیاسی است و هم جغرافیایی چرا که چهره جغرافیایی زمین هم جلوه‌گاه جدایی‌های سیاسی است و هم از راه جریانی سیاسی سازمان می‌یابد).

پس از بیان این سخن وی تعاریفی از ارسطو (طبیعت) را نقل می‌کند که (چیزی که در جایی قرار ندارد، وجود ندارد) و به این دلیل پیشنهاد می‌کند تعاریفی که خود از مفهوم سرزمین ارائه کرده است مورد پذیرش قرار گیرد.

گاتمن (سرزمین) یا (بوم) را چنین تعریف کرده است.

سرزمین بخشی از جلوه‌گاه جغرافیایی است که با ادامه فیزیکی حکومت برابری پیدا می‌کند این مفهوم جای دهنده فیزیکی و پشتیبانی دهنده بدنه سیاسی است که یک ساختار حکومتی به خود می‌گیرد. این مفهوم پهنه فیزیکی یک سیستم سیاسی را معرفی می‌کند در حکومتی، ملتی و یا در بخشی از آن که از گونه‌های اقتدار برخوردار باشد قوام می‌گیرد. سرزمین یا (بوم) بیشتر پدیده‌های فیزیکی است. حکومت بیشتر جنبه‌های سیاسی دارد.

(سرزمین سیاسی) در ایران از اواسط سالهای حاکمیت سلسله ساسانی و با پیدایش نام (ایران‌شهر) واقعیت علمی پیدا کرد.

### ج) شهر و روستا

شهر و روستای جغرافیای سیاسی در برگیرنده محیط انسانی پویایی است که در چارچوب نظامی پیوسته دگرگون شونده اثر گذاری بر محیط انسانی - طبیعی را همیشه مد نظر دارد.

مطالعه شهر عبارت است از درک جامعه از راه مطالعه ساختار فضایی، جریان سیاسی و نظام اقتصادی آن شهروندان در هر بخشی از جهان، اتباع حکومتی ویژه و اجزای نظام سیاسی ملی، منطقه‌ای و جهانی هستند و بر پویایی اقتصاد ملی، منطقه‌ای و جهانی اثر می‌گذارند. نخستین محیط زندگی این شهروندان شهر یا روستاست که بیشترین اثرگذاری را بر تحولات جغرافیایی - سیاسی جهان دارد.

نقش آفرینی جغرافیایی - سیاسی شهر در ژرفای تاریخ دگرگونی‌های زیادی پیدا کرده است. این دگرگونی‌ها را شاید بتوان در سه بخش زیرین دسته‌بندی کرد:

### دوران باستان

در دورانهای پیش از میلاد، شهر در چارچوب مفهوم پولیس (Polis) (یا شهرهای خود مختار) نقش آفرینی سیاسی پر اهمیتی داشت. یونان باستان اساساً محیطی انسانی ساخته شده بر اساس نقش آفرینی شهرهای مستقل سیاسی یا شهرهای خودگردان و برخوردار از حکومت‌های تک شهری مستقل مانند (آتن) و (اسپارت) و غیره بود. شهرهای جغرافیایی - سیاسی ایران باستان از گستره جغرافیایی بیشتری برخوردار بودند و بیشتر روستاها و شهرها نیز دارای حاشیه بودند و به همین دلیل (ساتراپی) خوانده می‌شدند و از نظام سیاسی - اداری خودگردان درخور توجهی برخوردار بودند.

### دوران تاریخی

این دوران از هنگام پیدایش حکومت‌های فراشهری در روم باستان در ایران روزگاران پارت‌ها تا آغاز قرن بیستم بطول انجامید. در این دوران شهر بیشتر، جنبه یک واحد سیاسی - اقتصادی داشته است.

## دوران مدرن

منظور از دوران مدرن در این بررسی نیمه دوم قرن بیستم و پیامدهای آن می‌باشد. این دوران شاهد گسترش سریع شهر هم از نظر محدوده جغرافیایی و هم از دید نقش آفرینی‌ها است. نخستین کسی که پدیدار آمدن غول‌های شهری نوین را مورد بحث و بررسی قرار داد ژان گاتمن بود. دهه پایانی قرن بیستم شاهد گسترش پویایی سیاسی-اقتصادی مگالوپولیسهای سربرآورنده و حتی شهرهای کوچکتر است.

- برای نخستین بار چه کسی پدید آمدن غولهای شهری نوین را مورد بحث و بررسی قرار داد.

(تألیف)

(الف) برگیس

(ب) تیلور

(ج) راتزل

(د) گاتمن

گزینه د

## ۴- منطقه

منطقه یک فضای جغرافیایی را گویند که از یک سلسله پدیده‌های مشابه و عوامل پیوند دهند اجزای آن محیط هم از نظر فیزیکی و هم از دید محیط انسانی برخوردار باشد.

جهانی اندیشان دیگر نیمه دوم قرن بیستم به ویژه سوئل کوهن کوشیدند تا مدل‌های واقع گرایانه‌تری از مفهوم «منطقه» در جهانی اندیشی سیاسی - جغرافیایی ارائه دهند. در نوشته‌ای با عنوان (جغرافیا و سیاست در جهانی از هم گسیخته) که در سال ۱۹۷۳ منتشر شد کوهن کوشید تا نارسایی‌های مفهوم (جهان یکپارچه سیاسی) را برملا سازد نارسایی‌هایی که به گفته وی در گذشته جهانی اندیشان سیاسی-جغرافیایی را گمراه کرده بود. وی معتقد است که محیط از نظر استراتژیک یکپارچه نیست بلکه دنیایی است اساساً از هم گسیخته و تقسیم شده به چند منطقه جدا از هم در برخورد با این تئوری کوهن از مفهوم جغرافیایی (منطقه) بهره می‌گیرد وی به این ترتیب سلسله مراتب سیاسی را در نظر می‌گیرد که متشکل از دو نوع دسته‌بندی جغرافیایی جهان شمول و ناحیه‌ای است این دسته‌بندی‌ها عبارتند از: منطقه ژئواستراتژیک که نمایانده گونه ویژه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها در بخش‌های پهناوری گیتی است و منطقه ژئوپولیتیک که به بخش‌های جغرافیایی کوچکتر در داخل مناطق ژئواستراتژیک اطلاق می‌شود. این منطقه‌های کوچکتر معمولاً از تجانس جغرافیایی و هماهنگی‌های محیط انسانی بیشتری در یک یا همه زمینه‌های فرهنگی اقتصادی و سیاسی برخوردار هستند. مناطق ژئواستراتژیک در نظام جهانی دو قطبی پیشین عبارت بودند از دو نیمکره سیاسی که هر یک از نفوذ یکی از ابرقدرتهای روی زمین بود کوهن این دو منطقه ژئواستراتژیک را چنین نام داده بود «دنیای کرانه‌ای وابسته به بازرگانی» و «دنیای قاره‌ای ارو-آسیا»

- یک فضای جغرافیایی که از یک سلسله پدیده‌های مشابه و عوامل پیوند دهنده اجزای آن محیط هم از نظر فیزیکی و هم از دید

(تألیف)

محیط انسانی برخوردار باشند را چه می‌گویند؟

(الف) ناحیه

(ب) منطقه

(ج) شهر

(د) کشور

گزینه ب

## ۵- ملت و هویت

مفهوم ملت از دو جنبه امت تفاوت دارد. نخست اینکه (ملت) وابسته به سرزمین مشخصی است. یعنی مفهومی درون مرزی است ولی امت مفهومی فرامرزی است. دوم اینکه امت پدیده‌ای ناشی از یک عامل فرهنگی یعنی دین است حال آنکه مفهوم ملت پدیده‌ای حاصل پیوند چند عامل فرهنگی و محیطی است که بحث خواهد شد. عصاره نخستین تئوری معنوی مربوط به مفهوم ملت در رابطه با مفهوم (حکومت) را گاتمن (۱۹۵۱) هارتشورن (۱۹۵۰) و جونز (۱۹۵۴) پدید آوردند این دانشمندان معتقد به

(حرکت) در جهان سیاست هستند و بر این باورند که (حرکت) یانقش آفرینی مایه اصلی پدیدار آورنده (گروه انسانی یکپارچه شده سیاسی = ملت) در محیط جغرافیایی ویژه آن گروه یعنی (سرزمین) است. این دو عنصر اساسی از راه ایجاد پیوند قانونی سازمان دهنده جغرافیا و جامعه توسط حکومت مفهوم (کشور) را واقعیت می‌بخشد.

پدیده‌هایی چون یک دین مشترک، یک زبان مشترک یک سلسله خاطرات سیاسی مشترک برخی دیدگاههای اجتماعی مشترک، یک سرزمین سیاسی مشترک و یک سلسله آداب و سنن و ادبیات و هنرهای مشترک. مجموعه‌ای از همه این مفاهیم (شناسنامه‌ای) ملی پدید می‌آورد که (هویت) ملی یک گروه انسانی با یک ملت را واقعیت می‌بخشد.

#### ۶- ناسیونالیسم، میهن خواهی

##### میهن خواهی (Patriotism)

میهن خواهی یا وطن دوستی فلسفه یا دید سیاسی ویژه‌ای نیست بلکه غریزه‌ای است که از حس اولیه تعلق داشتن به مکان و هویت ویژه آن و حس دفاع از منافع فرد در آن مکان ناشی می‌شود.

##### ناسیونالیسم یا ملی‌گری (Nationalism)

بر خلاف میهن دوستی که مفهومی است غریزی و کاملاً غیر سیاسی، ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی مفهومی کاملاً سیاسی است، یک اندیشه سیاسی است یک فلسفه سیاسی است. اندیشه یا فلسفه‌ای که ریشه در هویت ملی و میهن دوستی هر ملتی دارد و در عین حال در قیاس (میهن دوستی و هویت ملی) که مفاهیمی غریزی و کهن هستند، ناسیونالیسم پدیده‌ای فلسفی و کاملاً نوین است که از سوی اروپای بعد از انقلاب صنعتی به جهان بشری معرفی شد.

دیوید نایت (David Knight) در این باره گفته است که (ناسیونالیسم جغرافیایی‌ترین جنبش از جنبشهای سیاسی است). جغرافیای سیاسی سنتی، در مجموع، برگرد مطالعه روابط متقابل میان مفاهیم سه گانه سرزمین، حکومت و مردم رشد کرد. به این ترتیب، ناسیونالیسم فلسفه‌ای سیاسی است که در گستره مطالعات جغرافیایی سیاسی، یا به دلیل در آمیخته بودن آن با مفهوم (سرزمین سیاسی) مورد توجه قرار دارد، یا به دلیل درهم‌آمیزی آن با مفهوم (حکومت) جلب توجه می‌کند.

با مطالعه نوشته‌ای از اوریچ در زمینه انواع ناسیونالیسم پیترو تابلور گونه‌های بیشتر شناخته شده ناسیونالیسم را به قرار زیر تقسیم‌بندی کرده است:

##### الف) پروتو-ناسیونالیسم (Proto-nationalism) یا ناسیونالیسم هسته‌ای

این ناسیونالیسم بیشتر جنبه پاتریاتیسم یا میهن خواهی دارد که در اطراف سازمان حکومت مرکزی اولیه ایجاد شده و گسترش می‌یابد.

##### ب) ناسیونالیسم، نیروی یکپارچه کننده

بهترین نمونه از ملتهایی که زیر تأثیر نیروی ناسیونالیسم یکپارچه شده‌اند کشورهای اروپای مرکزی قرن نوزدهم هستند کشورهای مانند آلمان و ایتالیا در اروپای باختری که در گذشته موزائیکی سیاسی بودند از حکومت‌های قومی و شهری چندگانه که به هم پیوسته و دو ملت یاد شده کنونی را به وجود آوردند در دوران کنونی نیز یکپارچه شدن دو ویتنام، دو آلمان، دو یمن، و تلاش دو کره برای یکپارچه شدن نمونه‌های بارزی از نقش آفرینی ناسیونالیسم در مقام نیروی یکپارچه کننده در دهه ۱۹۹۰ هستند این نقش آفرینی با تئوری (آیکونوگرافی) ژان گاتمن برابری دارد.

##### ج) ناسیونالیسم نیروی جدا کننده

بهترین نمونه از نقش آفرینی ناسیونالیسم به عنوان نیروی جدا کننده ملتها از هم و قرار دادن هر یک در واحد سیاسی کوچکتر، فروپاشی امپراتوری‌های بزرگ قرن نوزدهم مانند امپراتوری‌های اتریش، مجارستان، عثمانی و روسیه و ایجاد شماری از ملتهای کوچک و نوین بود در دوران کنونی بهترین نمونه این نقش آفرینی را باید در فروپاشیدن اتحاد شوروی پیشین، یوگسلاوی پیشین و چکسلواکی پیشین در آغاز دهه ۱۹۹۰ و ایجاد شماری از ملتهای کوچکتر نوین جستجو کرد.

#### د) ناسیونالیسم نیروی آزادبخش

بهترین نمونه از نقش آفرینی ناسیونالیسم در رهایی بخشیدن به ملت‌ها، کشورهای آزاد شده از قید و بند استعمار کهن در سراسر قرن بیستم است. این نقش آفرینی ویژه تاریخی بس کهن دارد. جنبش ایرانیان برای رها شدن از خلافت عباسی و تجدید بنای ملت ایران و تجدید حیات سیاسی دوباره به عنوان کشوری مستقل در قرون اولیه اسلامی تا ظهور صفویان، بهترین نمونه نقش آفرینی این نیرو در روزگاران کهن است. در قرون اخیر بهترین نمونه این نقش آفرینی را باید در جنبه‌اش استقلال خواهی ملت‌های گوناگون برای آزادی از استعمار فرانسه و بریتانیا جستجو کرد.

#### ه) ناسیونالیسم نیروی باز سازنده

پیتر تابلور ایران را بهترین نمونه نقش آفرینی این ناسیونالیسم معرفی می‌کند. دیگر نمونه‌های نقش آفرینی این نیرو را باید در بازسازی ملی ملت‌های مصر و چین، ژاپن، مکزیک و ترکیه پس از عثمانی جستجو کرد. ناسیونالیسم در ایران قرن بیستم در نخستین مراحل بیشتر جنبه میهن‌خواهی داشته و راستایی مثبت و سازنده را هدف قرار داده بود. این روند در نتیجه قرن بیستم اگرچه به ملی کردن صنعت نفت انجامید ولی به جای دربرگرفتن همه ملت ایران با پیگیری شیوه‌های حزبی در عمل، بخشی از ملت ایران را رودروی بخش دیگری از ملت قرار داد و کینه‌ای به درازای نیم قرن را میان این دو بخش از ملت ایران سبب شد.

#### ۷) منافع ملی (National interests)

مجموعه‌ای از همه پدیده‌ها و عناصریکه در حفظ بقا و بهتر زیستن یک ملت نقش آفرین است (منافع ملی) آن ملت یا کشور خوانده می‌شود این پدیده‌ها و عناصر در برگیرنده همه بارزه‌های موجودیت ملی یک کشور است از سرزمین و مرزها گرفته تا اقتصاد و سیاست و عوامل فرهنگی موثر در پدیدار آمدن و دوام یافتن و نیرومندتر شدن آن ملت و هویت ملی و نقش آفرینی‌های داخلی، منطقه‌ای و جانشین همه و همه در مفهوم (منافع ملی) یک ملت جای دارند. در هر تعریفی که از منافع ملی صورت گیرد حضور دو عنصر یا پدیده حتمی است که عبارتند از یکپارچگی سرزمین و منافع اقتصادی کشور. برای مثال سه پدیده یا عنصر (یکپارچگی سرزمین) (منافع اقتصادی) و (ایدئولوژی حکومتی) را می‌توان اولویتهای بالا در ساختار منافع ملی کشور قرار داد.

– به مجموعه‌ای از همه پدیده‌ها و عناصری که در حفظ بقا و بهتر زیستن یک ملت نقش آفرین باشد چه می‌گویند؟ (تألیف)

|                |                 |
|----------------|-----------------|
| الف) منافع ملی | ب) نظام سیاسی   |
| ج) نظام اداری  | د) استراتژی ملی |
| گزینه الف      |                 |

#### ۸- امنیت

یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده منطقه جغرافیایی یا ژئوپولتیک عامل امنیت است. «امنیت ملی» عبارت از توان یک ملت است در دور نگاه داشتن خطر‌ها نسبت به منافع ملی و ارزشهای داخلی.

#### ۹- علت وجودی (Reison d'tre)

تشخیص عوامل تعیین کننده ملیت از مباحث همیشگی و ابدی است گروهی از ملت‌ها پایبند یک اصل از اصول مادی و معنوی محیط انسانی هستند و آن یک اصل را عامل یکپارچه کننده آن گروه انسانی ویژه به عنوان یک ملت. فرض می‌کنند و آن را علت وجودی آن ملت می‌دانند.

بیشتر ملتها می‌کوشند عوامل چند گانه‌ای را شاخص تعیین ملیت و هویت ملی و علت موجودیت خود به عنوان (ملتهای یکپارچه، جداگانه و متمایز از دیگران) قرار دهند. کشورهای چند قومی اروپا همانند بریتانیا، فرانسه، آلمان و کشور ایالات متحده آمریکا بهترین نمونه‌های این وضع هستند. در آسیا گذشته از هندوستان و چین شاید بهترین نمونه این برخورد در راستای تعیین علت وجودی ایران باشد. ایرانیان مجموعه‌ای از عوامل چندگانه زبان‌های ایرانی (فارسی، کردی، لری، بلوچی، گیلک، مازندرانی و غیره) دین اسلام (شیعه، جعفری و دیگر رشته‌های تشیع) خاطرات سیاسی (تاریخ سیاسی ایران) آداب و رسوم ایرانی و آیین و سنن ایرانی، ادبیات و فلکلور ایرانی و غیره را شاخص ملیت و هویت ملی خود می‌شمارند و آمیخته‌ای از همه این عوامل را علت وجودی ملت ایران معرفی می‌کنند.

موجودیت یک (ایده حکومتی و یک (سرزمین سیاسی) مشخص به هر حال و در همه موارد عوامل حتمی و زیربنائی ساختن علت وجودی یک ملت هستند به هم پیوسته شدن یک ملت به دو انگیزه دیالکتیک بستگی دارد.

نیروهای گریز از مرکز Centrifugal که اجزای حکومت را به سوی متلاشی شدن می‌رانند و نیروهای گرانیده به مرکز Centripetal که اجزای حکومت یا ملت را به هم نزدیک کرده و پیوسته نگاه می‌دارند ایده‌های آیکونوگرافی و سیرکولاسیون از ژان گاتمن مثالهای دیالکتیک پر اهمیتی از نیروهای گریزنده از مرکز و گرانیده به مرکز هستند. هارتشورن همانند گاتمن و دیگران نیروهای گرانیده به مرکز را عامل پیدایش کشورها و علت وجودی آنها دانسته است وی در تشریح این باور گفته است (نیروهای گرانیده به مرکز که مورد تاکید جغرافیدانان سیاسی قرار دارد. مشخصه‌های مادی موجودیت سرزمین حکومت هستند) بر خلاف گاتمن که نیروی گرانیده به مرکز و علت وجودی کشورها را عواملی (آیکونوگرافیک) و معنوی می‌داند شماری از جغرافیدانان سیاسی از جمله هارتشورن عوامل مادی را به اندازه عوامل معنوی مهم می‌دانند.

از دید این جغرافیدانان گستره سرزمین و شکل هندسی - جغرافیایی یک کشور، برای مثال، می‌تواند عامل اصلی پیدایش یک ملت یا کشور باشد. دوبلیژر در نوشته‌های این موارد را بطور مفصلی بحث کرده است با این حال به نظر می‌رسد که عوامل مادی به عنوان نیروهای گرانیده به مرکز از درجات متفاوتی از کارایی دیالکتیک برخوردار باشند. در حالیکه گاتمن نیروهای گرانیده به مرکز را ناشی از عوامل معنوی می‌داند و در باورهای مردم یک کشور جستجو می‌کند و مجموعه این عوامل را (علت وجودی) یک ملت یا یک کشور می‌داند هارتشورن از (ایده حکومتی) به عنوان مهم‌ترین پدیده از نیروهای گرانیده به مرکز یاد می‌کند وی از این ایدئولوژی یا (ایده حکومتی= ناسیونالیسم) به عنوان (دلیل وجودی یک کشور یا یک ملت یاد می‌کند)

- به اعتقاد هارتشورن چه چیزی می‌تواند دلیل علت وجودی یک کشور یا یک ملت باشد؟ (تألیفی)

- |                              |                      |
|------------------------------|----------------------|
| الف) نیروهای گرانیده به مرکز | ب) نیروهای مرکز گریز |
| ج) ایده حکومتی               | د) عوامل معنوی       |
- گزینه ج

#### ۱۰- مرکز و پیرامون (Center and periphery)

بحث (مرکز) و (پیرامون) در جغرافیای سیاسی، بحث تشخیص روابط پویا میان پدیده‌های هسته‌ای و حاشیه‌های قدرت جغرافیایی است در نظام حاکم بر یک محیط انسانی.

در شناخت این رابطه‌ها دو نظریه متفاوت وجود دارد. نظریه مادی گرایانه که اقتصاد را محور اصلی و هسته‌های این رابطه‌ها می‌شناسد و بیشتر به اصطلاح (هسته مرکزی) تکیه دارد و نظریه معنی گرایانه که عوامل هویتی (فرهنگ و سنن) را محور اصلی این رابطه‌ها در نظر می‌گیرد و اصطلاح (مرکز) را از پویایی ضروری در بحث برخوردار می‌شمارد.

بحث یا مدل (منطقه مرکزی = Core Area) نخستین بار توسط پاندز و بال در سال ۱۹۲۴ با الهام‌گیری از تئوری